

## تأثیر سیاست گذاری دولتها در مواجهه با بحران کووید ۱۹ (مطالعه تطبیقی تجربه‌های آمریکا، چین و ایران)

سید امیر نیاکوئی<sup>\*۱</sup>

### چکیده

شکل گیری پاندمی کووید ۱۹ و چگونگی مقابله دولت ها با آن پرسش های مختلفی را در حوزه توانایی دولتها با توجه به ماهیت و شکل دولت ها و رابطه آنها با جامعه برانگیخته است. در این پژوهش با بررسی سه کشور آمریکا، چین و ایران که از نظر نوع نظام سیاسی، میزان تمرکز اداری و مدل اقتصادی، تفاوت های چشمگیر و تجربه های مختلفی در مواجهه با این بحران دارند، این پرسش مطرح شده که چه عواملی باعث موفقیت چین در مهار بحران کرونا و ناکامی نسبی آمریکا و ایران در مقابله با این اپیدمی شده است؟ یافته‌های پژوهش حاکی از این است که مولفه‌های دولت اقتدارگرای توسعه گرا در چین به ویژه نخبگان مصمم، دیوان سالاری کارآمد و سیاست گذاری منسجم، در کنار ضعف جامعه مدنی و بهره گیری از ابزارهای قهری، نقش مهمی در موفقیت چین در مواجهه با کرونا داشته است، با این حال در آمریکا و ایران علی رغم تفاوت های چشمگیر موجود، عدم واکنش منسجم؛ معضل تصمیم گیری و شکاف های سیاسی؛ و ماهیت اقتدارگرای جامعه ایران و قدرتمندی جامعه مدنی آمریکا، زمینه تداوم بحران را فراهم آورده است. البته بحران کرونا در ایالات متحده که قدرتمندترین اقتصاد جهانی است با وضعیت ایران که به دلیل مشکلات مدیریتی و تحریم ها، از مدتها قبل نیز دستخوش بحران چشمگیر و رشد اقتصادی منفی بوده، تفاوت های قابل ملاحظه ای دارند. روش پژوهش، بررسی تطبیقی و روش جمع آوری داده‌ها، کتابخانه ای است. این تحقیق براساس آمار رسمی انجام شده و وضعیت این کشورها از آغاز پاندمی تا ۱۰ آگوست ۲۰۲۱ را مورد توجه قرار داده است.

واژگان کلیدی: کووید ۱۹، مدیریت دولت، جامعه مدنی، دولت توسعه‌گرا

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه گیلان نویسنده مسئول

\* niakoe@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۸

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره یازدهم، شماره پیاپی چهل و یک، صص ۶۸-۴۱

## مقدمه

شکل‌گیری پاندومی کرونا، پرسشهای مختلفی را در رابطه با چگونگی مواجهه دولتهای مختلف و میزان ناکامی و موفقیت آنها برانگیخته است. این پرسشها که آیا حکومتهای دموکراتیک عملکرد بهتری داشته‌اند و یا رژیم‌های اقتدارگرا؟ نظامهای لیبرالی موفق‌تر بوده‌اند یا کشورهایی که در آنها گرایشهای سوسیالیستی و دولت‌گرایی به چشم می‌خورد؟ وضعیت کشورهایی که در قالب دولتهای توسعه‌گرا ارزیابی می‌شوند (اعم از اقتدارگرا و یا دموکراتیک) به چه صورت بوده است؟ و چه عواملی بر تجربه‌های متفاوت فوق تاثیر داشته‌اند؟ در محافل علوم سیاسی مورد توجه قرار گرفته‌اند. حتی برخی از منظری فمینیستی، مواجهه با این بحران را از منظر جنسیتی مورد پرسش قرار داده و این فرضیه را مطرح کرده‌اند که در کشورهایی که مناصب سیاسی عمده در اختیار زنان است تجربه‌های موفق‌تری در مواجهه با این پاندمی به چشم می‌خورد. پرسشهای فوق دریچه‌های جدیدی را در مطالعات علوم سیاسی پیرامون این پاندمی می‌گشاید، با این حال، بررسی کلان مواجهه با بحران کرونا بر اساس دوگانه‌های فوق به عنوان مثال دوگانه دموکراسی/ اقتدارگرایی دشوار است. گذشته از نمونه‌های مطالعاتی زیاد، میتوان به کمبود اطلاعات برای انجام چنین پژوهشی نیز اشاره داشت. تنوعهای میان کشورها مهم است و متغیرهای واسط زیادی وجود دارند که باید لحاظ شوند. به عنوان مثال فوکویاما در پاسخ به این پرسش که دموکراسی‌ها برای مقابله با این تهدیدات جدید مناسب‌ترند یا رژیمهای اقتدارگرا؟ به ظرفیت دولت و میزان اعتماد به حکومت اشاره می‌کند و نه نوع رژیم. در کشورهای مختلف، عوامل متفاوتی تاثیر گذارند و تمام موارد مطالعاتی را نیز نمی‌توان با توجه به متغیرهای گفته شده تحلیل کرد. یکی از موارد تاثیرگذار، نوع واکنش و سیاستهای نخبگان حاکم است. در حالی که روسای جمهور دموکراتیک در ایالات متحده و برزیل عمدتاً نسبت به بحران کرونا بی‌توجهی نموده و حتی سیاستهایی چون ماسک یا فاصله‌گذاری اجتماعی را هم زیر سوال بردند، حکومت دموکراتیک هند حداقل در مراحل ابتدایی بحران با توجه جدی‌تر به این پاندمی و اعمال

سیاستهای قرنطینه، موفق‌تر از آمریکا و برزیل عمل نمود. بررسی تعداد مرگ و میر و ابتلاها در هند با در نظر گرفتن جمعیت بیشتر و سیستم بهداشتی ضعیف‌تر این کشور در مقایسه با ایالات متحده، موفقیت نسبی هند را در قیاس با ایالات متحده و همچنین برزیل نشان می‌دهد. از طرف دیگر، در میان دموکراسی‌های اروپایی، آلمان موفق‌تر از انگلستان و فرانسه و ایتالیا عمل کرده که چرایی آن مجال دیگری را می‌طلبد. درصد جمعیت کهنسال در هر کشور، وضعیت نظام بهداشتی، ظرفیت دولت، سنتهای تاریخی، عملکرد نخبگان، میزان تجانس و همگونی جمعیتی و موقعیت جغرافیایی برخی عواملی هستند که در مناطق مختلف تاثیرگذار بوده‌اند.

در این پژوهش تلاش شده که از تعمیم پرهیز گردد و تجربه برخی از کشورهای درگیر این بحران به صورت تطبیقی مورد مطالعه قرار گرفته و علل موفقیت و یا ناکامی آنها نیز واکاوی شود. در این راستا به تجربه سه کشور آمریکا، چین و ایران پرداخته شده که از نظر نوع نظام سیاسی، میزان تمرکز اداری و ماهیت اقتصادی، تفاوت‌های بارزی دارند. دلیل گزینش این سه کشور علاوه بر تنوع‌های مطرح شده فوق، جایگاه این کشورها و داعیه آنها در نظام بین‌الملل است. ایالات متحده قدرتمندترین کشور جهان از نظر اقتصادی، فن‌آوری، نظامی و قدرت نرم است. چین نیز اقتصاد دوم جهان است و خیزش آن با سرعتی باورنکردنی تداوم دارد طوری که بسیاری بر پتانسیلهای این کشور برای جایگزینی ایالات متحده در سالهای آتی سخن می‌گویند. ایران نیز اگرچه از نظر اقتصادی و سیاسی، هم‌ردیف کشورهای فوق قرار نمی‌گیرد، اما خود را الگویی برای جهان اسلام معرفی کرده و حتی در بحران کرونا، رییس‌جمهور ایران ادعا نمود که یکی از موفقترین الگوهای مقابله با کرونا را داشته و برخی از رهبران کشورها خواهان الگوبرداری از ایران بوده‌اند. (خبرگزاری ایسنا : ۴ شهریور ۱۳۹۹) با این حال نگاهی دقیق‌تر به تجربه این کشورها، واقعیت‌های دیگری را نشان می‌دهد و تفاوت‌های بارزی در مواجهه و مدیریت این کشورها با این پاندمی مشاهده می‌گردد.

بحران کرونا از وهان چین آغاز شد و چین اولین کشور درگیر با این بحران بود طوری که در ماه‌های ابتدایی بحران با کاهش شدید رشد اقتصادی مواجه شد، با این حال، چین به سرعت موفق به مهار بحران گشت. چین علی‌رغم اینکه پرجمعیت‌ترین کشور جهان

است، تعداد موارد ابتلای آن تا ۱۰ آگوست سال ۲۰۲۱ میلادی کمتر از ۹۵۰۰۰ مورد و تعداد موارد فوتی نیز کمتر از ۴۷۰۰۰ مورد بوده است. لازم به ذکر است که حتی افرادی که بر غیرقابل اعتماد بودن آمارهای دولتی در چین تاکید می‌کنند و از احتمال ۴۵۰۰۰ کشته در ووهان سخن می‌گویند، تاکید دارند که این کشور پس از موج اول کرونا، موفق به مهار آن شد و این پاندمی کل کشور را فرا نگرفت. آمار ادعایی فوق نیز به فرض صحت، با لحاظ نمودن جمعیت این کشور و اینکه چین اولین مورد ابتلاها را داشته، حاکی از موفقیت دولت چین در مقابله با این بحران است. در واقع موج گسترده کرونا بجز ووهان و نواحی همجوار در سایر مناطق گسترش چشمگیری نیافت و این کشور پس از فروکش موج اول کرونا، عملاً دستخوش موج دیگری نشد و ماهها است که مرگ و میری در این کشور ثبت نشده و ابتلاها پس از آپریل ۲۰۲۰ بسیار محدود بوده است. چین همچنین برنامه واکسیناسیون موفق و بسیار گسترده‌ای را مدیریت نموده است. این کشور هم اکنون با سرعت شگفت‌انگیزی رشد صادرات خود را ادامه می‌دهد و به باور بسیاری از محققان به سرعت فاصله خود را از سایر رقبای اقتصادی بیشتر می‌کند و به ایالات متحده نزدیکتر می‌شود.

پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول حاکی از این است که چین یکی از معدود اقتصادهایی است که نرخ رشد مثبت را در طی سال ۲۰۲۰ تجربه کرده است. بانک جهانی رشد اقتصادی این کشور در سال ۲۰۲۰ را معادل ۲.۳ ارزیابی نموده که در مقایسه با کشورهای دیگر بسیار مناسب به نظر می‌رسد. گفته می‌شود که رشد اقتصادی این کشور در دوره کرونا متأثر از افزایش تقاضای جهانی برای دستگاههای پزشکی، منسوجات مانند ماسک و دستگاههای الکترونیکی خانگی است. همچنین تخصیص بسته‌های کمکی در حوزه‌های آبی‌تی و مالی و سرمایه‌گذاری هنگامت در بخش تحقیقات و توسعه را نیز باید مورد توجه قرار داد. از سوی دیگر به نظر می‌رسد که ایالات متحده آمریکا، تراژیک‌ترین وضعیت را تجربه کرده است. آمریکا تا آغاز مارس ۲۰۲۰ دارای مبتلاهای بسیار محدودی بود ولی از آپریل به بعد شمار مرگهای تایید شده در این کشور چندین برابر بیشتر از چین بوده است. آمریکا با بیش از ۶۳۳ هزار کشته و حدود ۳۷ میلیون ابتلا تا پایان دهه اول آگوست سال ۲۰۲۱، وضعیت وخیمی را تجربه کرده

است پاندمی کرونا حتی بر انتخابات ریاست جمهوری کشور تأثیر شگرفی داشت و به مهمترین موضوع مجادله تبدیل شد. می‌توان تصور نمود که بدون شیوع این اپیدمی، ترامپ به راحتی قادر به غلبه بر رقیب دموکرات خود می‌شد. در آمریکا موج کرونا از ایالتی به ایالت دیگر سرایت و چندین موج کشور را فراگرفته طوری که در برخی روزهای ماه نوامبر و دسامبر ۲۰۲۰ آمار کشته‌ها از ۲۰۰۰ کشته در روز و صدها هزار ابتلا نیز فراتر رفت. در ژانویه سال ۲۰۲۱ نیز برخی روزها با بیش از ۴۰۰۰ کشته و صدها هزار ابتلا ثبت شده است. البته آمریکا از نظر سرعت واکسیناسیون در مجموع موفق بوده و با گسترش واکسیناسیون، سرعت مرگ و میر در این کشور به شدت کاهش یافته طوری که این شاخص در جولای و اوایل آگوست ۲۰۲۱ به یک دهم دوره بحرانی ژانویه تقلیل یافت. پاندمی کرونا همچنین بر شاخصهایی چون بیکاری و رشد اقتصادی تأثیر جدی داشت طوری که این کشور در سال ۲۰۲۰ رشد اقتصادی ۳.۵- را تجربه نمود که کاملاً متأثر از پاندمی کرونا بوده است. همچنین بسیاری از مشاغل در ایالات متحده با آسیب جدی مواجه شدند که البته با بسته‌های حمایتی دولت چه در دوران ترامپ و چه بایدن، تاحدودی زمینه بازیابی اقتصادی کشور فراهم شده است. به هر حال، چگونگی مواجهه با پیامدهای کرونا در آمریکا خود به موضوع مجادله برانگیزی بین جمهوری خواهان و دموکراتها؛ کنگره و کاخ سفید؛ و همچنین دولت مرکزی و ایالتها تبدیل شده و این وضعیت خود به پیچیدگی‌های مواجهه با پیامدهای این ویروس در آمریکا افزوده است.

ایران نیز در زمره اولین کشورهایی بود که پس از چین دستخوش کرونا شد. در این کشور نیز تاکنون پنج موج کرونا مشاهده شده و تقریباً تمام نقاط کشور تحت تأثیر قرار گرفته است. ایران با حدود ۹۵ هزار کشته و چهار میلیون و دویست هزار ابتلا، در زمره دوازده کشور اول از نظر میزان بالای تلفات تا پایان دهه اول آگوست سال ۲۰۲۱ بوده است. اگرچه نرخ مرگ و میر در ایران از ایالات متحده و بسیاری از کشورهای اروپایی بهتر است، اما بررسی وضعیت ایران حتی در منطقه جنوب غربی آسیا و در مقایسه با کشورهای چون پاکستان، ترکیه، عراق، مونارشی‌های نفتی خلیج فارس و کشورهای آسیای مرکزی حاکی از ناکامی در مواجهه با این بیماری است. نکته وخیمتر اینکه در

حالی که نرخ مرگ و میر در کشورهای اروپایی و آمریکا در ماههای منتهی به آگوست ۲۰۲۱ به دلیل برنامه واکسیناسیون گسترده، بسیار کاهش یافته، ایران با تجربه موج پنجم کرونا و بیش از ۵۰۰ کشته در روز در آگوست ۲۰۲۱ مواجه است که چشم انداز بسیار نامناسبی را نمایان می‌کند. سرعت پایین واکسیناسیون در کنار مسایلی چون کمبود امکانات پزشکی حاکی از وضعیت وخیمی است. در این میان، این ادعای برخی از مسئولان مبنی بر این که آمار واقعی بسی بیشتر از آمار رسمی است، نیز به ابهام‌ها دامن زده است به عنوان مثال ایرج حریرچی تعداد واقعی قربانیان کرونا در ایران را دو برابر آمار رسمی دانست. مسعود مردانی عضو کمیته علمی ستاد مقابله با کرونا، این رقم را دو و نیم برابر و حسین قشلاقی عضو شورای عالی نظام پزشکی ایران، سه تا چهار برابر دانست. گفته شده که با توجه به تعداد کم تستهای کرونا در ایران، تعداد مبتلایان به درستی مشخص نیست و نسبت مرگ و میر و آمار مبتلایان، تفاوت قابل توجهی با کشورهای دیگر دارد.

بررسی تاثیر بحران کرونا بر رشد اقتصادی و وضعیت شاخصهایی چون بیکاری و تورم در ایران دشوار است. ایران در سالهای پیش از بحران کرونا نیز دستخوش رشد اقتصادی منفی، تورم افسار گسیخته، افت ارزش پول، ناکارآمدی مدیریتی و بیکاری گسترده بوده و این بیماری در کنار نبود بسته‌های حمایتی مناسب از سوی دولت، وضعیت بغرنج‌تری را ایجاد کرده و بسیاری از مشاغل را تحت تاثیر قرار داده است. عدم ارائه بسته‌های مالی مناسب از سوی دولت و نبود راهکاری منسجم برای جبران مشکلات این پاندمی نیز اوضاع را نابسامان‌تر کرده است طوری که جامعه ایران عملاً متأثر از مثلث تحریمهای آمریکا، بحران کرونا و حکمرانی نامناسب به طرز وخیمی متأثر شده است. به هر حال همان‌طور که ملاحظه می‌شود در حالی که چین تجربه موفقیت در مقابله با این بحران داشته است، ایران و ایالات متحده به اشکال گوناگونی متأثر شده و در مجموع تجربه چندان موفقیتی در مدیریت این بحران نداشته‌اند. با توجه به این مباحث، در این تحقیق تلاش می‌شود به این پرسش پاسخ داده شود که چه عواملی باعث موفقیت چین در مهار بحران کرونا و ناکامی نسبی ایالات متحده و ایران در مقابله با این اپیدمی شده است؟ برای پاسخ به این پرسش، در بخش بعدی با گذاری بر مباحث

نظری پیرامون دولت و رابطه آن جامعه تلاش می‌شود دریچه مناسبی برای تحلیل بهتر موارد مطالعاتی حاصل شود.

**چارچوب مفهومی: گونه‌های مختلف دولت و تاثیر آن بر کارآمدی دولت و توسعه**  
کی از مهم‌ترین مباحث در علوم سیاسی، اشکال مختلف دولت و نهادهای سیاسی است و بر این اساس طبقه‌بندی‌های مختلفی ارائه شده است به عنوان مثال نظام‌های سیاسی را می‌توان به نظام‌های تک ساخت و فدرال؛ دموکراتیک و اقتدارگرا؛ ریاستی و پارلمانی و غیره تقسیم نموده‌اند. در رابطه با پیامدهای اشکال مختلف دولت و نهادهای سیاسی آن بر توسعه و کارآمدی یا توانایی دولت، مباحث مختلفی مطرح و ادبیاتی غنی وجود دارد. برخی استدلال می‌کنند که در نظام‌های دموکراتیک به دلیل نقش جامعه مدنی و شفافیت تصمیم‌گیری‌ها، تصمیم‌ها در روندی عقلانی و با خرد جمعی اتخاذ می‌گردد و از این منظر، تصمیم‌ها کارشناسی‌تر و عقلانی‌تر است. با این حال، برخی محققان به چالش‌های تصمیم‌سازی در نظام‌های دموکراتیک و تضاد منافع بین گروه‌های مختلف و همچنین دشواری تصمیم‌گیری به موقع به دلیل روندهای بوروکراتیک طولانی و رقابتهای جناحی پرداخته و بر این باورند که نظام‌های اقتدارگرا با چابکی بهتری می‌توانند کشور را به سوی جلو سوق دهند و در مواجهه با بحرانها موفق‌تر عمل می‌کنند. از سوی دیگر، در نظام‌های اقتدارگرا به دلیل عدم شفافیت، ممکن است بحرانها لاپوشانی شوند و تنها پس از اینکه ابعاد وسیعی پیدا نمودند، مورد توجه قرار گیرند. البته در میان نظام‌های اقتدارگرا نیز مانند نظام‌های دموکراتیک، گونه‌های مختلفی از جمله رژیم‌های سلطانی وابسته به شخص، و موناشری‌های خاندانی و نظام‌های تک‌حزبی متمرکز را می‌توان متمایز نمود. پیامد این نوع نظام‌های سیاسی بر توانایی دولت و توسعه کشور نیز عموماً متفاوت است. نظام‌های سلطانی عموماً به دلیل اینکه کاملاً متکی بر فرد هستند، دارای آسیب‌پذیری بالاتری می‌باشند و مناسبات حامی‌پروری و وفاداری شخصی در این نظام‌ها، تاثیر منفی بر توسعه کشور و کارآمدی دولت دارد، حال آنکه نظام‌های اقتدارگرای مبتنی بر حزب منضبط عموماً وضعیت مناسب‌تری دارند. در این راستا برخی به تجربه شوروی تحت حکومت استالین؛ و یا پیشرفت در دوران حکومت‌های فاشیستی؛ و یا تجربه موفق چین در دهه‌های اخیر اشاره می‌کنند.

در مقابل برخی دیگر استدلال می‌کنند که رشد ذیل حکومت‌های غیردموکراتیک و تحت لوای نهادهای استثماری، تداوم نخواهد داشت و مانند تجربه شوروی کوتاه مدت خواهد بود. رایبسون و اوغلو از این منظر، نهادهای سیاسی و اقتصادی را به نهادهای فراگیر و استثماری تقسیم کرده و بر این اساس چرایی پیشرفت برخی کشورها و ناکامی کشورهای دیگر را تشریح می‌کنند. این نویسندگان استدلال می‌کنند که این نهادهای سیاسی و اقتصادی فراگیر و رقابتی هستند که کلید موفقیت کشورهای توسعه‌یافته‌اند و در مقابل، هر کجا اندک سالاری و نهادهای استثماری که امکان شکل‌گیری فرصت‌های سیاسی و اقتصادی برای پیشرفت جامعه را فراهم نمی‌آورد، حاکم باشد، توسعه و پیشرفت رخ نمی‌دهد. رایبسون و اوغلو، پیشرفت در ایالات متحده، آلمان و جوامع غربی را با توجه به ماهیت نهادهای سیاسی و اقتصادی این کشورها که به حقوق مالکیت احترام گذاشته و به دلیل قانون و شفافیت، بستر مناسبی برای توسعه فراهم می‌آورند، تبیین و در مورد تجربه چین هم ادعا می‌کنند که این کشور در دهه‌های اخیر به سمت فراگیرتر شدن نهادهای حرکت کرده با این حال همچنان، رشد ذیل نهادهای استثماری را تجربه می‌کند و در صورت عدم حرکت نهادها به سمت فراگیری، رشد این کشور متوقف خواهد شد. (رایبسون و اوغلو: ۱۳۹۳)

یکی دیگر از مباحثی که امروزه در حوزه رابطه دولت و توسعه به طور کلی مطرح است، ادبیات دولتهای توسعه‌گرا است که در آنها عمدتاً بین توسعه و دموکراسی تفکیک قائل شده است. آدریان لفتویچ، دولت توسعه‌گرا را براساس ظرفیت آن برای رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی تعریف کرده و از منظر سیاست توسعه به این نوع دولتها می‌پردازد. او بین توسعه و دموکراسی، تمایز قائل شده و استدلال می‌کند که در عمل هم نظام دموکراتیک توسعه‌گرا و هم غیرتوسعه‌گرا یافت می‌شوند. همچنین نظامهای غیردموکراتیک هم در دو شکل توسعه‌گرا و غیرتوسعه‌گرا وجود دارند. لفتویچ هنگامی که به ویژگی‌های نظامهای توسعه‌گرا می‌پردازد به مولفه‌هایی چون نخبگان مصمم توسعه‌گرا؛ استقلال نسبی دولت؛ دیوان سالاری کارآمد، رقابتی و نفوذناپذیر؛ جامعه مدنی ضعیف؛ توانمندی لازم برای مدیریت موثر منافع بخش خصوصی؛ و بهره‌گیری از ابزار سرکوب در پیشبرد توسعه همراه با کارآمدی و مشروعیت قانونی اشاره می‌کند.



لفتویج تاکید می‌کند که در دولتهای توسعه‌گرا اعم از دموکراتیک و غیردموکراتیک، نوعی تداوم نخبگان وجود دارد که در اشکال دموکراتیک دولت توسعه‌گرا عمدتا در قالب نظام مبتنی بر حزب مسلط یا دولت ائتلافی تحقق می‌یابد. نخبگان در این کشورها مصمم و دور از فساد بوده و دیوان‌سالاری شایسته که برپایه کارآمدی و عقلانیت است نیز به چشم می‌خورد. همچنین اگر چه در اکثر دولتهای توسعه‌گرا، تحقیر و ضعف جامعه مدنی به چشم می‌خورد، اما این حکومتها دارای مشروعیت عملکردی بوده و قابل قبول مردم هستند. (لفتویج: ۱۳۸۵)

۴۹

در نهایت باید ادبیات مربوط به توانایی دولت را مورد توجه قرار داد که به طور خاص بر قابلیت‌های دولتها تاکید می‌کند. برخی، توانایی دولت را از منظر کارکرد نهادهای سیاسی به ویژه دولت‌سازی بررسی کرده‌اند؛ و برخی، توانایی دولت را از منظر معیارهای وبری مورد توجه قرار داده است؛ در نهایت گروهی از محققان هم توانایی دولت را عمدتا از منظر سیاست‌گذاری عمومی، اداره نهاد دولت و حکمرانی ارزیابی می‌کنند. با این همه، لیندول و ثورل، ادبیات مربوط به توانایی دولت را آشفته دانسته و بر این باورند که با مفهوم سازی توانایی دولت به منزله قدرت، می‌توان بر آشفتگی این مباحث نظری غلبه کرد. در این راستا، توانایی دولت به صورت رابطه علی بین سیاستها و نتایج تعریف و در قالب سه رکن، مفهوم‌سازی می‌شود. در رکن اول، توانایی دولت شکلی از قدرت در نظر گرفته می‌شود و به عنوان مثال بر اجرای سازمان‌یافته تصمیم‌های سیاسی در سراسر قلمرو حاکمیتی و بر میزان کنترلی که کارگزاران دولتی بر افراد، فعالیتها، و منابع موجود در حوزه صلاحیتها و اختیارات قلمرو حکومتی‌شان اعمال می‌کنند، تاکید می‌شود. ابزارهای سیاستی، رکن دوم توانایی دولت را شکل می‌دهد و شامل اجبار، مشوقهای اقتصادی و تبلیغات است. رکن سوم، منابع است که دولت از آنها بهره می‌گیرد تا قدرت و شدت آثار سیاستهایش بر نتایج را تقویت کنند و مهمترین آنها عبارتند از درآمد دولت (سطح و میزان درآمدها و دریافتی‌های دولت)، سرمایه انسانی (کیفیت نیروی انسانی شاغل در سازمانها و موسسه‌های حکومتی) و اطلاعات (به منظور تعیین چگونگی استفاده موثرتر از ابزارهای سیاستی). (حیدری ۱۳۹۹: ۵۷-۵۱)

پژوهش‌های  
روابط بین‌الملل

تاثیر سیاست  
گذارای دولتها در  
مواجهه با بحران  
کووید ۱۹ (مطالعه  
تطبیقی تجربه‌های  
آمریکا، چین و  
ایران)

پس از بررسی اجمالی مباحث نظری در رابطه با گونه‌های مختلف دولت و تاثیر آن بر توسعه کشور و به ویژه توانایی دولت، تلاش می‌شود که با بهره‌گیری از این مباحث، ویژگی‌ها و مدل رژیم‌های سیاسی در کشورهای ایران، چین و آمریکا دقیق‌تر مورد بررسی قرار گیرد تا شباهتها و تفاوت‌های آنها از منظر نهادهای سیاسی و کارکرد آنها مشخص‌تر گردد. بر این اساس در بخش‌های بعدی، نگاهی دقیق‌تر به کشورهای منتخب از منظر مباحث نظری گفته شده خواهیم داشت و سپس تجربه‌های مختلف این کشورها در مقابله با پاندمی کرونا را به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار خواهیم داد و به این پرسش خواهیم پرداخت که چگونه مدل دولت و ویژگی‌های آن بر موفقیت نسبی چین در مواجهه با این پاندمی و ناکامی نسبی ایالات متحده و ایران تاثیر داشته و چگونه می‌توان تجربه‌های متفاوت این کشورها را تبیین نمود.

### گذاری بر ماهیت و مدل رژیم‌های سیاسی در کشورهای منتخب و تاثیر آن بر توانایی و کارآمدی دولت

اگر بخواهیم ماهیت نظام سیاسی چین را مورد توجه قرار دهیم، گفته می‌شود که چین نظام اقتدارگرایی متمرکزی است که توسعه اقتصادی را هدایت می‌کند، دسترسی به فرآیند سیاست گذاری را محدود می‌نماید و از شکل‌گیری گروه‌های ذی نفع مانند اتحادیه‌های کارگری که می‌توانند توجهات را از اولویت رشد اقتصادی منحرف کنند، ممانعت می‌نماید. از منظر رویکرد رایبسون و اوغلو، این کشور فاقد نهادهای سیاسی و اقتصادی فراگیر است و سیطره حزب کمونیست چین بر کشور و تمامی نهادها مستولی است. بسیاری بر این باورند که بنگاه‌های خصوصی و کارآفرینان در کنترل حزب قرار دارند و نهادها و بخش خصوصی نتوانسته‌اند آن طور که باید رشد نمایند. با توجه به اهمیت مشارکت بخش دولتی و خصوصی برای توسعه و اینکه مدت‌ها در چین نسبت به بخش خصوصی بی‌توجهی شده، برخی با تردید به نهادمندی و تداوم موفقیت چین می‌نگرند. (Denap: 2017) محققان چینی اما عموماً رویکرد متفاوتی دارند و به تجربه چین به عنوان موفق‌ترین تجربه توسعه که باعث ثروتمند شدن صدها میلیون نفر در کمتر از چهار دهه شده اشاره می‌کنند. به عنوان مثال، یکی از محققان چینی با موشکافی ساختار

نظام تک‌حزبی چین بیان می‌کند که "انعطاف‌پذیری، شایسته‌سالاری و مشروعیت سه ویژگی نظام تک‌حزبی چین هستند و این حزب یکی از شایسته‌سالارترین نهادهای حکومتی در جهان است. بالاترین سطح حکومتی در چین یعنی پولیت‌بورو، دارای ۲۵ عضو است که تنها ۵ نفر از آنان پیشینه شناخته شده دارند و ۲۰ نفر دیگر از جمله رییس‌جمهور از اقلیت معمولی برخاسته‌اند. در کمیته مرکزی حزب که ۳۰۰ عضو یا بیشتر دارد، نسبت کسانی که از خانواده‌های قدرتمند و ثروتمند برخاسته‌اند از این هم کمتر است. راه پیشرفت اکثر رهبران چین از مسیر کار و تلاش و رقابت گذشته است. در این کشور، یک نهاد قدرتمند سیاسی به نام دپارتمان تشکیلات حزب نقش ایفا می‌کند که به مثابه یک موتور قدرتمند تامین نیروی انسانی عمل می‌کند و شامل یک هرمی سه‌وجهی شامل خدمات مدنی، بنگاه‌های عظیم دولتی و سازمانهای اجتماعی مانند دانشگاه یا یک برنامه کامیونیتی است. ارتقا بر اساس شایستگی است و عملکرد افراد هر ساله از طریق مصاحبه با روسا، همکاران و زیردستان آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد و رفتار و نحوه عملکردشان ارزیابی می‌گردد و موفق‌ترین‌ها به مسئولیت‌های بالاتر دست پیدا می‌کنند. در مقایسه با سی، بیست یا حتی ده سال پیش همه چیز در جامعه چین از محدودترین سطوح محلی گرفته تا بالاترین مراکز قدرت، متفاوت شده‌اند و این تغییرات ژرف جز در سایه اصلاحات سیاسی نمی‌توانست رخ دهد. اریک ایکس‌لی ادامه می‌دهد که جرج دبلیو بوش پیش از آنکه فرماندار تگزاس شود یا باراک اوباما پیش از آنکه به ریاست جمهوری آمریکا برسد، نمی‌توانستند در نظام چین حتی مسئولیت یک محله کوچک را هم به عهده بگیرند. او با توجه به رضایت مردم چین از جهت-گیری اقتصادی کشور، خوش‌بینی به آینده و بهبود زندگی نسبت به گذشته، از مشروعیت بالای نظام سیاسی در این کشور سخن می‌گوید." (Li: 13 August 2013)

اگر از منظر ادبیات دولتهای توسعه‌گرا به چین بپردازیم، می‌توان این دولت را در قالب مدل اقتدارگرای توسعه‌گرا جای داد زیرا اساساً در این کشور فعالیت حزبی و انتخابات وجود ندارد. از سوی دیگر سایر مولفه‌های دولت توسعه‌گرا مانند ضعف و تحقیر جامعه مدنی، دیوان‌سالاری کارآمد، نخبگان مصمم و مشروعیت و کارآمدی به چشم می‌خورد و این کشور پرجمعیت، ذیل دولت اقتدارگرای توسعه‌گرا توانسته از کشوری فقیر و

مبتنی بر کشاورزی در چهل سال پیش به دومین قدرت اقتصادی جهان در سال ۲۰۲۰ دست یابد. البته باید توجه داشت که در رابطه با تعریف دولت توسعه‌گرا همچنان ابهام وجود دارد و همانطور که گفته شد برخی با توجه به کم‌توجهی به بخش خصوصی در سالیان گذشته، تردیدهایی را در مورد این کشور ابراز نموده‌اند، با این حال در سالهای اخیر، توجه به مشارکت بخش خصوصی و دولتی (PPP) در این کشور بیشتر شده و نهادهایی چون وزارت امور مالی و کمیسیون اصلاحات و توسعه ملی، نقش مهمی در این راستا داشته‌اند. دولت چین با بوروکراسی کارآمد و نخبگان مصمم و ساختاری متمرکز، توانایی بالایی در اجرای سازمان‌یافته تصمیم‌های سیاسی در سراسر قلمرو حاکمیتی دارد. چین با در اختیار داشتن دومین اقتصاد جهانی؛ افزایش سرمایه انسانی که در بالارفتن جایگاه دانشگاه‌های این کشور نیز نمود دارد؛ بوروکراسی کارآمد، و ساختاری تک‌حزبی و به شدت متمرکز، می‌تواند به خوبی از اجبار، تبلیغات و مشوقها در راستای اهداف خود استفاده کند و قابلیت کم‌نظیری در کنترل جامعه دارد.

بررسی مدل دولت در ایران حاکی از عدم وجود دولت توسعه‌گرا و همزمان وجود نوعی رقابت و دموکراسی در میان جناح‌های سیاسی داخل حکومت است. (Niakooee: 2020) فقدان نخبگان مصمم با نگاه کلان؛ عدم وجود اجماع در میان نخبگان حتی در رابطه با الگو و یا مفهوم توسعه؛ درجه نسبتاً بالای فساد در میان نخبگان؛ نبود شفافیت در تصمیم‌گیری؛ ضعف بوروکراسی و عدم ارتقا براساس شایستگی در نظام اداری؛ رقابت‌های شدید جناحی و منفعت‌محوری در میان نخبگان که حتی در موضوعی چون برجام به چشم می‌خورد؛ غالب شدن رویکردهای ایدئولوژیک و امنیتی و کنار رفتن پارادایم توسعه؛ رگه‌هایی از سیاست جایگزینی احزاب و جناحها که منجر به عدم تداوم برنامه‌ها شده است؛ سیاست خارجی ناملازم با توسعه؛ بحران کارآمدی و بی‌ثباتی‌های سیاسی و اقتصادی روزافزون همگی حاکی از این است که دولت در ایران را نمی‌توان در قالب دولتهای توسعه‌گرا ارزیابی نمود.

از سوی دیگر در سالهای اخیر، بحران اقتصادی که در رشد اقتصادی منفی در چند سال نمود داشته، بر درآمدهای دولت تاثیر منفی داشته و توان آنرا برای مشوقهای اقتصادی به عنوان مثال برای اعمال موفق سیاست قرنطینه تحت الشعاع قرار داده است. بوروکراسی

ضعیف و کاهش سرمایه انسانی نیز به شیوه دیگری بر توانایی دولت تأثیر گزارده است. در گزارش سرمایه انسانی بانک جهانی در سال ۲۰۱۹، ایران در رتبه ۷۱ قرار دارد که جایگاه نامناسبی را نشان می‌دهد. (حیدری ۱۳۹۹: ۶۵) از منظر رویکرد رایینسون و اوغلو نیز می‌توان به نهادهای اقتصادی و سیاسی غیرفراگیر و استثماری اشاره نمود که حتی در ادبیات مسئولان بلندپایه کشور نیز از اقلیت ۴ درصدی که بر تمام شریانهای کشور مستولی شده‌اند، سخن گفته شده است. مهاجرت نخبگان و سرمایه مالی از کشور همگی حاکی از کاهش سرمایه انسانی و توانایی دولت است. به طور کلی می‌توان استدلال نمود که دولت در ایران، غیرتوسعه‌گرا بوده و به دلیل معضلات مختلف دارای توانایی محدودی است که این عوامل در مواجهه با بحران کرونا نیز تأثیرگذار است که در بخشهای بعدی دقیق‌تر بررسی خواهد شد.

اگر بخواهیم به نظام سیاسی آمریکا بپردازیم، شایان ذکر است که این نظام به دلیل نهادهای سیاسی و اقتصادی فراگیر بالاترین میزان جذب سرمایه مادی و انسانی را دارد و در مولفه‌هایی چون قدرت نظامی، قدرت اقتصادی، قدرت نرم و دانش و تکنولوژی در بالاترین جایگاه ایستاده است. ایالات متحده یکی از مهمترین مقاصد سرمایه مالی و انسانی در جهان به شمار می‌رود. نگاهی اجمالی به جایگاه و تعداد دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی این کشور حاکی از وضعیت بسیار مناسب سرمایه انسانی در آمریکا است. بر این اساس این کشور موفق به تولید واکسنهایی با بالاترین مطلوبیت و بهترین بازار جهانی شده و این واکسنها بیش از واکسنهای تولیدی سایر کشورها مورد توجه قرار گرفته است. درآمد سرانه بالاتر از ۴۰ هزار دلار در سال نیز حاکی از وضعیت اقتصادی بسیار مناسب در این کشور است. می‌توان استدلال نمود که دولت ایالات متحده از نظر شاخصهایی چون درآمد سرانه، سرمایه انسانی و اطلاعات و تکنولوژی، توانایی بالایی دارد. با این حال به دلیل ماهیت فدرالی حکومت و تفاوت رویکردها بین ایالتها و شکافهای سیاسی، اعمال یک سیاست واحد با دشواریهای زیادی مواجه است. در سالهای اخیر، شکافهای سیاسی نیز در این کشور به بالاترین درجه رسیده و جامعه آمریکا به شدت دوقطبی شده و این عامل بر توانایی دولت تأثیر گذاشته است. به عنوان مثال می‌توان به تلاش حزب دموکرات در مجلس نمایندگان و سنا برای برکناری رییس-

جمهوری که دوره او سپری شده آن هم در شرایطی که روزانه بیش از ۴۰۰۰ نفر در این کشور به دلیل پاندمی کرونا فوت می‌شدند، اشاره کرد. در واقع اختلافات سیاسی بین احزاب جمهوری خواه و دموکرات، رویکردهای مختلف ایالات، درگیری و چالشهای نهادهای مختلف قدرت مانند دولت و مجلس درباره چگونگی مواجهه با کرونا چه در سطح ایالتی و چه در سطح فدرال، همگی بر توانایی دولت تاثیر منفی گذارده است. قدرتمندی جامعه مدنی نیز برخلاف دولتهای توسعه‌گرا عامل پراهمیت دیگری است که باید لحاظ شود. در این کشور امکان قرنطینه شدید، نامحتمل است و در لایه‌هایی از جامعه به شدت در مقابل آن مقاومت می‌شود. در بخش بعدی، تاثیر این عوامل در شکل‌گیری و تعمیق بحران کنونی دقیق‌تر بررسی می‌گردد.

### تجربه کشورهای منتخب در مواجهه با پاندمی کرونا

پیش از آنکه به تجربیات کشورهای منتخب در مواجهه با پاندمی کرونا اشاره کنیم، بهتر است کمی در مورد این پاندمی و چگونگی مقابله با آن بپردازیم. در مورد منشا این بیماری نظرات مختلفی وجود دارد طوری که برخی ریشه‌های آن را به بازار حیوانات وحشی در ووهان منتسب کرده و بر سرایت آن از خفاش تاکید کرده‌اند. برخی از ناظران غربی نیز آزمایشگاه ویروس شناسی ووهان را منبع اصلی شیوع بیماری دانسته‌اند. در این میان، مسئولان چینی نیز احتمال سرایت این بیماری از کشورهای غربی به ووهان و سپس گسترش آن در این منطقه را مورد توجه قرار داده‌اند. (Khalil: 2 November 2020) گذشته از این مباحث که به شدت با مسایل سیاسی گره خورده، آن چه قطعی است، مسری بودن شدید بیماری است و با توجه به فقدان واکسیناسیون در سال ۲۰۲۰ در سطح کلان، تنها راه مقابله با این پاندمی و تعدیل آن، رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی، پوشیدن ماسک، اعمال سیاستهای قرنطینه در رابطه با بیماران و افراد مظنون، کنترل دقیق مبادی ورودی کشور و همچنین مناطق مختلف آلوده، تعطیلی مشاغل، غربالگری گسترده و در یک کلام، داشتن رویکرد منسجم در سطح ملی و بهره‌گیری از تمامی ابزارهای تشویقی، تنبیهی و همچنین تبلیغی برای کنترل بیماری است. با گذشت زمان و در سال ۲۰۲۱ نیز برنامه جامع واکسیناسیون عامل مهم دیگری است که میتواند در مهار

بیماری نقش موثری داشته باشد. با توجه به این موارد، بهتر می‌توان تجربه کشورهای منتخب را مورد بررسی قرار داد. اولین موج شیوع کرونا در ووهان چین گزارش شد. در مراحل ابتدایی شیوع بحران، اطلاع رسانی مناسبی انجام نگرفت و محدودیتهایی برای انتقال اخبار و اطلاع رسانی در مورد بیماری اعمال شد طوری که گفته شده دکتر لی ولیانگ پزشک ووهانی که اولین گزارشها درباره این ویروس را منتشر کرده بود نیز احضار و مورد بازجویی قرار گرفت. ناظران غربی عمدتاً این واکنش را به ماهیت اقتدارگرای حکومت و نبود شفافیت و گردش اطلاعات منتسب و ادعا می‌کنند که این عامل نقش مهمی در گسترش بیماری در جهان داشته است. برخی نیز ضعف سیستم گزارش‌دهی و ناکارآمدی مسئولان محلی ووهان در گزارش به موقع بیماری به مقامات بهداشتی در پکن را مورد توجه قرار داده‌اند که منجر به تاخیری مرگبار در مقابله با بیماری شد. (Haggard: April 7, 2020) به هر حال آنچه قطعی است اینکه با گسترش شیوع این بیماری، دولت چین به راهبردی منسجم و بسیار سخت‌گیرانه برای مواجهه با آن اقدام نمود. مسئولان چینی از هفته آخر ژانویه تا آغاز آپریل ۲۰۲۰، قرنطینه بسیار شدیدی را در استان هوئی اعمال نمودند و هرگونه رفت و آمد به این استان را به مدت ماهها محدود کردند. در داخل شهر نیز حمل و نقل عمومی تعطیل، استفاده از خودروی شخصی ممنوع و کارخانجات و کل اقتصاد استان هوئی تعطیل شد.

ساکنان این شهر حتی برای خرید غذا مجاز به خارج شدن از خانه‌های خود نبودند و غذا به درب خانه‌ها تحویل داده می‌شد. قرنطینه ووهان به گونه‌ای بود که میلیونها نفر ماهها خانه‌های خود را ترک نکردند و از این شهر به شهر ارواح نام برده شد. البته دولت چین نیز منابع را از تمام کشور برای حمایت از این منطقه بسیج نمود که از جمله می‌توان به ایجاد دو بیمارستان صحرائی در چند روز اشاره نمود.

گذشته از ووهان، دولت چین در سایر مناطق کشور نیز مقررات دقیقی را وضع کرد. تعطیلی مدارس و دانشگاهها، لزوم ماسک اجباری، ممنوعیتهای مسافرتی و انجام تستهای گسترده تنها بخشی از اقدامات دولت در سرتاسر چین بوده است. در هر منطقه - ای از چین که مواردی از ابتلا در آن یافت شده، قرنطینه شدید اعمال گردیده و کل مردم آن منطقه و افرادی که در طی دو هفته گذشته با فرد مبتلا در تماس بودند، مورد

آزمایش قرار می‌گرفتند. دولت چین همچنین پس از مهار نسبی بحران، مقررات بسیار سخت‌گیرانه‌ای برای ورود به کشور اتخاذ نموده است طوری که صدور ویزای تحصیلی یا توریستی متوقف شده و جز در موارد خاص اجازه ورود به کشور داده نمی‌شود و کنترل بسیار شدیدی در مبادی ورودی به کشور اعمال می‌گردد.

به عنوان مثال افرادی که اجازه ورود در چین را دارند مانند اتباع کشور، دیپلماتها و یا افرادی که گذرنامه خدمت دارند، در وهله اول و برای اجازه پرواز باید تست منفی کرونا از کشور مبدا را ارائه دهند. در صورت منفی بودن تست و اجازه پرواز، از کلیه مسافران در فرودگاه چین مجدداً تست گرفته و در صورت منفی بودن مجدد تست، مسافران مجدداً به مدت ۱۴ و یا ۲۱ روز باید در هتل و یا اقامتگاههای دیگر در قرنطینه کامل به سر ببرند و تنها پس از انجام چند تست کرونا در دوره قرنطینه و نتیجه منفی تستهای فوق و در پایان دوره قرنطینه، امکان تردد را خواهند یافت. در ژانویه ۲۰۲۱ نیز شیوع بسیار محدود بیماری منجر به تعطیلی مدارس در پکن و مناطق دیگر شد.

دولت چین همچنین از امکانات تکنولوژیک مانند گوشی تلفن همراه برای کنترل رفت و آمدها و نظارت بر جامعه استفاده می‌کند. سیستم نظارت دیجیتال در همه جا در چین به چشم می‌خورد. ظرفیت آن برای نظارت همراه با تجزیه و تحلیل داده‌ها به آن امکان داده است که ردیابی تماس را به طور خودکار انجام دهد، که از منظر بهداشت عمومی آن را کارآمد می‌کند. این فناوری ترکیبی از فناوری تشخیص چهره، دوربین های امنیتی در فضاهای عمومی و بسته، نظارت بر شبکه‌های اجتماعی، ردیابی ارتباطات از راه دور و ردیابی اطلاعات دیجیتال مسافران است. توان بالای چین در عرصه نظارت دیجیتالی به گونه‌ای است که منتقدان از آن به اقتدارگرایی دیجیتالی نام می‌برند و بر این باورند که کووید ۱۹ توان این دولت را برای گسترش اقتدارگرایی از جهات گوناگون افزایش داده است. (Khalil: 2 November 2020)

در پژوهش دقیقی که به چرایی موفقیت چین پرداخته، عوامل زیر مورد توجه قرار گرفته‌اند: حکمرانی سازگار با شرایط متغیر؛ فرهنگ پیروی اخلاقی از قوانین؛ همکاری مبتنی بر اعتماد بین حکومت و مردم؛ و یک چارچوب فن آوری پیشرفته شامل رایانش ابری، فن آوری بلاک چین، هوش مصنوعی، داده‌های بزرگ و تکنولوژی 5G. چینی‌ها در



عرصه فن آوری پیشرفته، به سرعت یک سکوی کنترل دیجیتال برای شناسایی موارد تایید شده و تماسهای نزدیک افراد و نظارت بر دمای بدن ایجاد کردند. از این فناوریها در تقویت پردازش اطلاعات، تحقق سریع مدیریت کارآمد سلامت و راه اندازی کد بهداشت نیز استفاده شد. این امر به طور قابل توجهی به مبارزه با اپیدمی و بازگشت به کار کمک کرد. دولت همچنین کلاسهای یادگیری آنلاین و از سرگیری دورکاری را ارتقا داد. تمام این اقدامات بر اساس کاربرد فن آوریهای پیشرفته مذکور انجام شده است. (Wang, Yan and Boasson: 12 October 2020) از نظر واکسیناسیون نیز چین اولین کشور جهان از نظر میزان واکسیناسیون است که البته با توجه به جمعیت بالای این کشور باید مورد توجه قرار گیرد. گفته شده که این کشور تا دهه اول آگوست بیش از ۲۲۳ میلیون نفر را کاملا واکسینه نموده و بالغ بر یک و نیم بلیون واکسن تزریق نموده است. چین همچنین یکی از بزرگترین عرضه کنندگان واکسن در سطح جهانی است.

۵۷



تأثیر سیاست  
گذارای دولتها در  
مواجهه با بحران  
کووید ۱۹ (مطالعه  
تطبیقی تجربه‌های  
آمریکا، چین و  
ایران)

اگر بخواهیم مقایسه‌ای با وضعیت ایران و همچنین ایالات متحده داشته باشیم، تفاوتها بیش از پیش آشکار می‌گردد. مسئولان دولتی در ایران در اواخر فوریه ۲۰۲۰ و پس از مدتها تکذیب اخبار ورود ویروس به کشور، به مرگ دو نفر در شهر قم اذعان کردند. این بدان معنا بود که ویروس تا این تاریخ عملا گسترش یافته بود. (Salehi Isfahani, September 23 2020) در واقع در حالی که در دی ماه و تا اواخر بهمن، مسئولان وجود هرگونه ابتلا به کرونا را به شدت تکذیب می‌کردند و رویدادهایی چون ۲۲ بهمن بدون کوچکترین تدابیر بهداشتی انجام گرفت، ناگهان در ۳۰ بهمن ۱۳۹۸ از فوت دو نفر در شهر قم سخن گفته شد که با توجه به نسبت مرگ و میر ناشی از این بیماری، به معنای ابتلای صدها نفر در هفته‌های گذشته بوده است. گذشته از عدم اطلاع‌رسانی شفاف، سیاست دولت و ارزیابی آن از بحران نیز مبهم و نادرست بود. مسئولان دولتی از همان ابتدا به شدت با هرگونه سیاست قرنطینه مخالفت کرده و آنرا سیاستی متعلق به قبل از جنگ جهانی اول ارزیابی نمودند. رییس جمهور نیز در همان ماه ابتدایی بحران بیان نمود که از شنبه آینده اوضاع عادی می‌شود. در این میان، برخی نهادهای مذهبی نیز نسبت به تعطیلی مراکز مذهبی واکنش نشان دادند که خود زمینه گسترش بحران را فراهم آورد. کیانوش جهانپور مسئول روابط عمومی وزارت بهداشت از محدود نشدن

گردهمایی‌ها در مراکز مذهبی انتقاد کرد و بیان شد که برخی مسئولان مکانهای مذهبی در قم، مصوبات مراجع قانونی را اجرا نمی‌کنند. (حیدری ۱۳۹۹: ۵۹-۵۸) عدم کنترل مرزها و نبود ضرورت تست کرونا قبل از ورود به کشور و همچنین عدم قرنطینه مناطق آلوده منجر به گسترش بیش از پیش بیماری شد. در این میان موضوعی که تا مدت‌ها مورد توجه قرار نگرفت، محدود کردن پروازها از مقصد چین و یا حداقل انجام پروتکل‌های بهداشتی ضروری بود که مورد انتقاد مسئولان وزارت بهداشت نیز قرار گرفت. بدتر از همه، افرادی که دارای تست کرونای مثبت بوده و اصطلاحاً ناقلان بدون علامت محسوب می‌شدند، به راحتی و بدون هیچ مانعی مشغول سفر در سرتاسر کشور شده و بیماری را گسترش دادند. سیاستهای نامنسجم همچنین باعث شکل‌گیری چندین موج کرونا و شیوع آن در مناطق مختلف کشور شده است. نمکی وزیر بهداشت جمهوری اسلامی ایران از عدم همراهی دستگاههای اجرایی در مدیریت کرونا انتقاد و بیان نمود که هشت ماه است مشغول خواهش و تمنا و التماس هستیم. او به عدم برخورد محکم با قانون‌شکنان به عنوان مثال افرادی که ماسک نمی‌پوشند؛ عدم ارتقای ناوگان اتوبوسرانی تهران؛ عدم انطباق پروازها با پروتکل‌های بهداشتی؛ و ضعف منابع از جمله ارز اشاره می‌کند و می‌گوید: در حالی که بیمارستانی در تهران مملو از بیماران بدحال کرونایی بود، تنها کمی آن طرف تر ایستگاه صلواتی با جمعیتی بیش از ۵۰۰ تا ۶۰۰ نفر که عمدتاً بدون ماسک در صف چایی هستند، دیده می‌شود. نمکی همچنین اشاره نمود که روزی چندین اتوبوس از مرزهای شرقی با انواع آلودگی وارد شده و به چالدران می‌روند و من نمیتوانم جلوی آنها را بگیرم؟ (خبرگزاری الف: ۲۰ مهر ۱۳۹۹)

مثال بارز دیگر از سیاستهای نامنسجم را میتوان در عدم اجازه ورود خودرو به برخی شهرها در شرایطی که مسافران با اتوبوس یا از طریق هوایی و بدون پروتکل‌های بهداشتی وارد شهرهای مقصد می‌شوند، مشاهده کرد. مسافرت گسترده مردم به مناطقی چون کیش و قشم در زمستان سال ۱۳۹۹ بدون دادن تست کرونا و در شرایطی که عمده مسافران نه فاصله اجتماعی را رعایت کرده و نه ماسک داشتند، بار دیگر رسانه‌ای شد و توجهات را به عدم مدیریت یکپارچه در ایران متمرکز نمود. عدم اعمال سیاست ماسک اجباری، عدم رعایت موازین بهداشتی در رابطه با سفرهای داخل شهری و بین شهری،

عدم بستن راهها و اعمال قرنطینه و سیاستهای نامنسجم همگی به بحران کرونا در ایران انجامید. ناکارآمدی مدیریتی در نوروز ۱۴۰۰ نیز به واضح‌ترین شکل نمود یافت و زمینه ساز موج جدید و مهلکی از بیماری شد. همچنین دولت به دلیل بحرانهای اقتصادی عمیق و ضعف در کارآمدی، توانایی حمایت از مشاغل که متاثر از کرونا آسیب دیدند را نداشته و حتی از نظر مالی نیز برای انجام تستهای رایگان لازم و فراگیر با مضیقه مواجه بوده در حالی که در کشوری مانند چین از میلیونها نفر تنها طی دو روز تست کرونا گرفته می‌شود. علاوه بر اینها، بی‌توجهی اجتماعی و قانون‌گریزی که در عدم پوشیدن ماسک، سفرهای مکرر، عدم رعایت فاصله اجتماعی و حضور پررنگ مردم در رستورانها و اماکن سرپوشیده متجلی می‌شود، نیز اوضاع را بیش از پیش دشوار نموده است طوری که در بدترین روزهای پاییز ۱۳۹۹ و تابستان ۱۴۰۰ و در اوج شیوع کرونا، زندگی عادی و بی‌توجهی به این بیماری توجه ناظران را به خود معطوف کرد.

ناکارآمدی مدیریتی در تهیه و توزیع به موقع واکسن نیز نقش بسیار مهمی در گسترش بیماری داشته است. احتمالاً با توجه به مشکلات قرنطینه و نبود سیاست منسجم در برخورد با این پاندمی و ویژگی‌های فرهنگی در ایران، واکسیناسیون گسترده تنها راه مهار کرونا و عادی نمودن شرایط اقتصادی و اجتماعی در ایران می‌باشد. با این حال تا ۱۹ مرداد ۱۴۰۰ معادل با ۱۰ آگوست ۲۰۲۱ تعداد افرادی که دو دوز واکسن را دریافت نمودند، ۳۲۷۴۹۸۰ نفر بوده و تنها ۱۳۵۲۰۱۲۷ نفر دوز اول را دریافت نمودند (خبرگذاری انتخاب: ۱۹ مرداد ۱۴۰۰) که بدین معنا است که کمتر از ۴ درصد جامعه کاملاً واکسینه شده‌اند. این رقم یکی از پایین‌ترین و ضعیف‌ترین نرخهای واکسیناسیون نه تنها در مقایسه با کشورهای اروپایی، چین و آمریکا که حتی در مقایسه با کشورهایمانند ترکیه، عربستان سعودی، عمان و پاکستان است. این وضعیت حتی موجب گسترش مسافرت‌های زمینی و هوایی به ارمنستان برای دریافت واکسن در تابستان ۱۴۰۰ شد که مورد توجه رسانه‌های داخلی و خارجی قرار گرفت و خود به مثابه نمادی از ضعف مدیریت تلقی می‌شود. عجیب‌تر آنکه در حالی که از چندین نوع واکس در ایران رونمایی و تبلیغات گسترده‌ای انجام شد، بخش قریب به اتفاق واکسنهای تزریق شده در ایران خارجی و عمدتاً سینوفارم چین، اسپوتنیک روسی و آسترازنکا ژاپن بوده و حداقل

تا بازه زمانی مورد بررسی در این تحقیق، تجلی چندانی از انواع واکنش‌های ایرانی ملاحظه نشده است. گذشته از اینها، برخورد سیاسی با برخی برندهای واکنس نیز بر سرعت واکنش‌های تأثیر گذارد. در ایالات متحده نیز اگرچه سرمایه مادی و انسانی و تکنولوژی مناسبی برای مواجهه با کرونا وجود داشته، ولی شکاف و چندپارگی‌های سیاسی عملاً بحران چشمگیری را در این کشور ایجاد نمود. در سطح فدرال، رییس جمهور ترامپ عمدتاً نسبت به ویروس کرونا بی‌توجهی نشان داده و پوشیدن ماسک و فاصله‌گذاری اجتماعی و تعطیلی اقتصاد کشور را رد می‌کرد. واکنش دولت مرکزی به پاندمی، ضعیف و درهم آمیخته و نامشخص بود. از سوی دیگر در سطح ایالتها نیز واکنش‌های مختلفی رخ داد. برخی ایالتها به سمت قرنطینه رفته و برخی به این سو حرکت نکردند. حتی درون ایالتها نیز نزاع و چندپارگی قدرت بین دولت ایالتی، مجلس و دادگاه عالی مانع شکل‌گیری یک سیاست منسجم و پایا بوده است. به عنوان مثال در ایالت ویسکانسین، سنای ایالتی علیه دستور اجباری بودن ماسک رای داد. (Foxnews: January 26 2021) در کالیفرنیا نیز که سیاستمداران دموکرات، رویکرد بستن اقتصاد و کسب و کارها را انتخاب نمودند، گفته شده که ۱.۲ میلیون امضا برای برکناری فرماندار کالیفرنیا جمع شده و مردم نسبت به تصمیم نیوسام برای تعطیلی مدارس، کسب و کارها و عبادتگاهها خشمگین هستند. (سایت انتخاب: ۷ بهمن ۱۳۹۹)

از سویی دیگر شکاف بین حزب دموکرات و حزب جمهوری خواه که به عدم امکان حصول یک برنامه جامع مورد توافق انجامید، سطح دیگری از بحران تصمیم‌گیری و شکاف سیاسی در این کشور را نشان می‌دهد. شگفت‌آور آنکه پس از وقایع ۶ ژانویه و حمله طرفداران ترامپ به کنگره و حتی پس از پایان دوره ترامپ و استقرار بایدن در منصب ریاست جمهوری، فضای سیاسی آمریکا بیش از آنکه مبتنی بر مدیریت بهتر و اجتماعی برای مقابله با پاندمی کرونا باشد، تحت تأثیر تلاش برای استیضاح ترامپ به منظور ممانعت از فعالیت سیاسی آتی او قرار گرفته است. نکته حائز اهمیت دیگر در ایالات متحده، قدرتمندی جامعه مدنی است به گونه‌ای که در مقابل سیاستهای بستن اقتصاد و یا محدود کردن آزادیها و حتی اجبار به ماسک، مقاومت شدیدی رخ می‌دهد و حتی برخی دادگاهها، چنین سیاستهایی را خلاف قانون اساسی دانسته و ملغی می‌کنند.

در ایالات متحده پیش از انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ و هم اکنون دو رویکرد کاملاً متفاوت در بستر اجتماعی به چشم می‌خورد. پایگاه اجتماعی دموکراتها عمدتاً بر کرونا تمرکز می‌کنند، حال آنکه جمهوری خواهان، اولویت اصلی خود را اقتصاد و حفظ آزادی‌های شخصی و مقابله با سوسیالیسم و کنترل دولت تعریف می‌کنند. در واقع در چنین جامعه متکثری که در آن، پیرامون مسایل مختلف دیدگاه‌های گوناگون وجود دارد، قابلیت واکنشی سریع و یکدست تقلیل می‌یابد. اگر از منظر مولفه‌های توانایی دولت به کشور آمریکا بپردازیم، در خواهیم یافت که اجبار به ویژه در پوشیدن ماسک، قرنطینه جدی و محدودیت مسافرتی به دلیل تعدد مراکز قدرت و قدرتمندی جامعه مدنی دشوار بوده طوری که حتی در برخی از کلیپهای پربازدید در شبکه‌های اجتماعی دیده می‌شود که مردم با کنار نهادن ماسک در مراکز خرید فریاد می‌زنند که ما در کشوری آزاد به نام آمریکا و نه چین زندگی می‌کنیم. از سوی دیگر با توجه به اینکه آگاهی بخشی به جامعه، و پیام شفاف دولت به افکار عمومی و اطلاع رسانی شفاف را می‌توان مولفه‌های تبلیغات مناسب در نظر گرفت، در ایالات متحده، عملاً سیاسی شدن کرونا و پیوند آن با انتخابات، وجود رویکردهای مختلف و اختلاف احزاب سیاسی، و عدم ارائه راهکاری شفاف به جامعه باعث پیچیده‌تر شدن این پاندمی شد. در پژوهشی که به مقایسه چین و آمریکا پرداخته، این تفاوتها به زیبایی نمایان شده است.

"در جامعه‌ای دموکراتیک مانند ایالات متحده آمریکا، فضا برای بیان دیدگاه‌های متعدد درباره ضرورت و لزوم اعمال هرگونه دستورالعمل پزشکی وجود دارد. با توجه به اینکه در سطح فدرالی نیز هیچ مجموعه واحدی از دستورالعملها ارائه نشده، این وضعیت تشدید شده است. علاوه بر این، هنجار آزادی‌های مدنی و تشکیک در مورد بهینه بودن دستورالعملهای پزشکی، مانع پیروی داوطلبانه حتی در سطح ایالتی شده است. در مقابل در چین اقتدارگرا، مجموعه دستورالعملهای پزشکی نه تنها به دلیل همکاری داوطلبانه شهروندان بلکه همچنین به دلیل روندهای اجباری سفت و سخت که تنبیه‌های شدید را برای ناقضان به همراه دارد، اعمال شده است. نظام چین با

ساختاری سلسله مراتبی به حزب اجازه می‌دهد که بوروکراسی گسترده کشور را برای دنبال کردن یک هدف واحد بسیج کند. کاری که تقریباً در هیچ جای دیگر دنیا ممکن نیست. در ایالات متحده هنگامی که پاندمی کووید ۱۹ همچنان رو به گسترش است، بحث و گفتگو پیرامون زمان و چگونگی از سر گرفتن کلاسهای حضوری همچنان ادامه دارد. فقدان یک راهبرد ملی باعث شده که مناطق مدارس رویکرد خود را تدوین کنند. والدین در مورد بازگرداندن بچه‌ها به کلاسها، نگران هستند. اتحادیه‌های معلمان تهدید به اعتصاب می‌کنند، در حالی که دانشجویان کالج، قوانین در مورد تجمع‌ها و گردهمایی‌ها را به تمسخر می‌گیرند. در چین در ماههایی که کرونا کاملاً تحت کنترل قرار دارد، اصلاً چنین مباحثی وجود ندارد. حزب کمونیست همه دادگاهها و رسانه‌های جمعی را کنترل و هر تهدیدی در مقابل دستورکار خود را درهم می‌کوبد. بوروکراتهای محلی، انتخاب چندانی ندارند مگر اینکه از دستورات دولت مرکزی قدرتمند تبعیت کنند. اتحادیه‌های کارگری مستقل ممنوع‌اند و فعالیت و سازماندهی منع می‌شوند.... همچنان دانشجویان کالجها در خوابگاه و کمپهای دانشگاه حضور دارند و امکان ترک این محلها را برای غذا و یا ملاقات با دوستان ندارند." (Cukierman: 26 October 2020)

در کشوری چون ایالات متحده با توجه به تنوع نهادهای سیاسی، چندپارگی‌های سیاسی و قدرتمندی جامعه مدنی، تنها انجام یک واکسیناسیون گسترده می‌توانست زمینه مهار بحران را فراهم آورد که در این رابطه تجربه نسبتاً موفق مشاهده می‌شود. در وهله اول شرکتهای داروسازی آمریکایی از جمله فایزر بیوتک (با همکاری آلمان)، مدرنا و جانسون و جانسون در زمره موفقترین شرکتهای جهانی در تولید واکسن باکارآمدی بالا بودند و سرعت واکسیناسیون نیز در این کشور مناسب بوده است طوری که تا ۱۰ آگوست حدود ۱۶۷ میلیون آمریکایی کاملاً واکسینه شدند و کلاً ۳۵۳ میلیون دوز واکسن تزریق شده و واکسن بسیار در دسترس می‌باشد. در واقع بیش از نیمی از

جمعیت تا تاریخ مذکور کاملاً واکنش‌ناپذیر شده اند (New York Times August 11, 2021) و ایالات متحده از نظر شاخص واکنش‌ناپذیری در زمره کشورهای موفق جهان قرار دارد. گذشته از سطح اقتدارگرایی و میزان تمرکز قدرت، باید به تفاوت‌های فرهنگی سیاسی در این جوامع و تأثیر آن بر مدیریت بحران کرونا نیز دقیق‌تر اشاره نمود. جامعه ایرانی اقتدارگرای بوده و شکاف دولت ملت پررنگ است و مولفه‌هایی چون سوزن، بی‌اعتمادی و عدم همکاری بر روابط مردم با یکدیگر و نگاه جامعه به دولت سایه افکنده است، طوری که حتی برخی شایعات نه چندان باورپذیر علیه دولت به سرعت رواج می‌یابد. در چنین شرایطی، گروه‌های مختلفی در جامعه به هرگونه تصمیم حاکمیتی و همچنین اخبار و آمار با بدبینی می‌نگرند و این بر کنش مردم و بی‌توجهی آنها به دستورالعمل‌های حکومت تأثیرگذار است. البته بدون شک تصمیم‌ها و سیاست‌های نادرست مسئولان در دهه‌های گذشته مقوم این رویکرد اجتماعی بوده است. براین اساس، تبلیغات و اطلاع‌رسانی دولت برای مهار کرونا در بسیاری مواقع با تردید اجتماعی مواجه می‌شود. تردیدها در مورد چرایی عدم خرید واکسن از برخی کشورهای غربی و همچنین تهیه واکسن از روسیه که بعدها تحقق نیز نیافت، عملاً بخش‌هایی از جامعه را نسبت به تصمیم‌ها و تبلیغات و اطلاع‌رسانی بدبین نموده و شفافیت، همکاری و مشارکت را تحت تأثیر قرار داده است. نقش شبکه‌های ماهواره‌ای و رسانه‌های مجازی در تشدید بی‌اعتمادی جامعه به حکومت نیز قابل کتمان نیست.

از سوی دیگر مولفه‌های فرهنگی و فرهنگ سیاسی در چین و ایالات متحده نیز متفاوت است و این عامل خود بر روش حکمرانی و توانایی دولت در مدیریت کرونا تأثیر گذارده است. در حالی که در غرب و به طور خاص ایالات متحده، ارزش‌هایی چون آزادی، دموکراسی، برابری و فردیت غالب هستند و حتی حق داشتن اسلحه از منظر بسیاری به عنوان حقی اجتماعی برای مقابله با تعدی دولت تلقی می‌شود، در چین این ارزش‌ها شدیداً محل منازعه‌اند. مسئولان دولتی در چین معمولاً این ارزش‌ها را به چالش می‌کشند و بحث سیاسی در مورد این ارزش‌ها را محدود می‌کنند، اما این تمام ماجرا و حتی مهم‌ترین بخش نیست. بسیاری از روشنفکران مستقل، اصلاح‌طلبان سیاسی و حتی محققان فرهنگ و فلسفه سیاسی در خارج از چین نیز استدلال می‌کنند که سنت‌های غالب

در فلسفه و تاریخ چین عمدتاً شایسته‌سالاری، سلسله مراتب و هماهنگی بوده و این مولفه‌ها با ارزشهای سیاسی غالب در غرب مانند دموکراسی، برابری و آزادی شدیداً منافات دارد. دانیل بل در پژوهشی دقیق به بررسی مولفه‌های فرهنگی فوق در چین پرداخته و ارزشهایی چون شایسته‌سالاری در برابر دموکراسی؛ سلسله مراتب در مقابل برابری؛ و هارمونی در برابر آزادی را در تاریخ و سنن این کشور مورد مطالعه قرار داده و تاثیر فرهنگ کنفوسیوسی و سایر مولفه‌های تاریخی را بررسی کرده است. موضوع پراهمیت اینجاست که این ارزشهای متفاوت خود بر اینکه چگونه قدرت سیاسی در چین اعمال و توجیه می‌شود، تاثیر دارد. (Bell 2017: 93-97)

اگرچه بحث تطبیقی در مورد مولفه‌های فرهنگ سیاسی در چین و ایالات متحده بحثی مفصل و فراتر از اهداف این نوشتار است، اما آنچه آشکار است تفاوت‌های بارز فرهنگی میان چین و ایالات متحده موجود است که در شیوه حکمرانی خود را نشان می‌دهد. در ایالات متحده، قرنطینه و نوع محدودیتها در چین حتی قابل تصور نیست حال آنکه در چین، اقدامات دولت در مجموع با سطح بالایی از رضایت، اعتماد و همکاری اجتماعی توأم بوده و اقتدارپذیری و اطاعت از دولت و اعتماد به آن نمایان است.

در واقع چینی‌ها دارای فرهنگ سنتی ریشه‌داری هستند که در آن اطاعت از اقتدار و قوانین اجتماعی و تطابق با استانداردهای اخلاقی جمعی مولفه پراهمیتی است. هنگامی که مسئولان محلی، اقدامات کنترلی را برای غربالگری و جداکردن افراد مظنون از کوچکترین واحدهای اقامتی تا سطوح بالاتر آغاز کردند، قدرت سازمانهای موجود در اجتماعات مورد آزمون قرار گرفت. آنها از شعارهایی چون ماندن در خانه مبارزه با کرونا و کمک به کشور است، برای اقناع مردم به منظور همکاری اخلاقی بهره بردند. نتیجه آنکه یک میلیارد و چهارصد میلیون نفر از پکن و شانگهای تا روستاهای دوردست، در خانه ماندن را آغاز کردند و جز مسایل پزشکی و یا ضرورت‌های خاص، خانه را ترک نکردند. کل مردم کشور نیز ماسک پوشیدن را رعایت نمودند. (Wang, Yan and Boasson: 12 October 2020) در آمریکا دقیقاً برعکس این وضعیت مشاهده می‌شد. گذشته از بی‌توجهی دولت فدرال، حتی در سطوح ایالتی نیز برخی قوانین محدودیتی با تمسخر و عدم رعایت مواجه بود و اینکه برای مقابله با کرونا چه سیاستی



باید اتخاذ گردد، خود موضوع بحثهای مجادله برانگیز شد. در ایران نیز همانطور که اشاره شد، بی‌اعتمادی و سوظن و فرهنگ اقتدارگریزی در کنار سیاستهای نامنجم و چندپاره زمینه تداوم بحران و موجهای مختلف کرونا را ایجاد نمود.

### نتیجه‌گیری

پاندمی کرونا و چگونگی واکنش دولتهای مختلف به آن و نوع سیاست‌گذاری‌ها، مباحث جدیدی را در حوزه علوم سیاسی برانگیخته است. تجربه کشورهای مختلف الگوهای مختلفی را نشان می‌دهد. در حالی که کشورهای آسیای جنوب شرقی و به طور کلی دولتهای توسعه‌گرا تجربه موفق‌تری در مواجهه با این پاندمی داشته‌اند، در بسیاری از کشورهای اروپایی، ایالات متحده و برخی کشورهای دیگر، تجربه‌های ناموفقی به چشم می‌خورد. در این پژوهش تجربه کشورهای آمریکا، چین و ایران در مواجهه با کرونا به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار گرفته و به این پرسش پرداخته شد که چه عواملی باعث موفقیت چین در مهار بحران کرونا و ناکامی نسبی ایالات متحده و ایران در مقابله با این اپیدمی شده است؟ برای پاسخ به پرسش تحقیق از ادبیات مربوط به گونه‌های مختلف دولت و تاثیر آن بر کارآمدی و توانایی دولت استفاده شد. مفروض تحقیق این بوده که با توجه به مسری بودن شدید بیماری و نبود برنامه جامع واکسیناسیون در سال ۲۰۲۰، تنها راه مقابله با این پاندمی و تعدیل آن، رعایت فاصله-گذاری اجتماعی، پوشیدن ماسک، اعمال سیاستهای قرنطینه در رابطه با بیماران و افراد مشکوک، کنترل دقیق مبادی ورودی کشور و همچنین مناطق آلوده، و در مجموع داشتن رویکرد منسجم در سطح ملی و بهره‌گیری از تمامی ابزارهای تشویقی، تنبیهی و تبلیغی برای کنترل بیماری است که توانایی و انسجام بالای دولت را می‌طلبد. همچنین وجود یک برنامه موفق واکسیناسیون در سال ۲۰۲۱ نیز میتواند نقش مهمی در مهار بحران ایفا نماید.

یافته‌های پژوهش حاکی از این است که دولت اقتدارگرای توسعه‌گرا در چین با نخبگانی مصمم، دیوان‌سالاری کارآمد و سیاست‌گذاری منسجم، و همچنین بهره‌گیری از ابزارهای قهری و ضعف جامعه مدنی موفقیت بالایی در مهار کرونا و همچنین بازیابی رشد اقتصادی داشته است. در این کشور تمرکز قدرت و بسیج کلیه منابع توسط حزبی

قدرتمند و بهره‌گیری از انواع ابزارهای تبلیغی، قهری و تشویقی در کنار اقتدارپذیری جامعه و همکاری مردم و دولت در مهار بیماری، زمینه‌گذار از بحران و بازیابی رشد اقتصادی کشور را فراهم نمود. بررسی تجربه ایران و آمریکا از سوی دیگر حاکی از آن است که علی‌رغم توانایی متفاوت این دو دولت از منظر شاخصهایی چون درآمد سرانه، سرمایه انسانی و قدرت تکنولوژیک، برون‌داده و نتایج مدیریتی آنها ناموفق بوده که در این راستا می‌توان به عواملی چون عدم واکنش منسجم؛ بحران تصمیم‌گیری و شکافهای سیاسی؛ و ماهیت اقتدارگرایانجامه در ایران و قدرتمندی جامعه مدنی در آمریکا اشاره کرد. البته ایالات متحده با گذر زمان و از طریق برنامه گسترده واکسیناسیون موفق به مهار نسبی کرونا شده در حالی که ضعف واکسیناسیون در کنار سایر مولفه‌های بیان شده، بدترین موج کرونا در ایران را در تابستان ۱۴۰۰ رقم زده است. در پایان باید توجه داشت که موفقیت چین در این عرصه را نمی‌توان تنها به اقتدارگرایی منتسب نمود و بررسی تجربه دولتهای موسوم به توسعه‌گرا از جمله سنگاپور و کره جنوبی حاکی از آن است که تجربه‌های موفق در این مدل از دولتها نیز یافت می‌شود که می‌تواند زمینه مطالعات تطبیقی بیشتری را فراهم آورد.

#### منابع

- اوغلو دارون عجم و جیمز ای رابینسون (۱۳۹۳) چرا ملتها شکست می‌خورند، ترجمه محسن میردامادی و محمد حسین نعیمی پور. انتشارات روزنه
- حیدری، علیرضا (۱۳۹۹) مقایسه توانایی دولت ایران و کشورهای منتخب شرق آسیا در سیاست‌گذاری کووید-۱۹. پژوهشنامه علوم سیاسی. سال ۱۵، شماره ۲، بهار. صص ۷۲-۴۷
- خبرگزاری الف (۲۹ مهر ۱۳۹۹) انتقاد وزیر بهداشت از عدم رعایت پروتکل‌ها: چند نفر را جریمه کردید/ چقدر من و همکارانم باید التماس کنیم؟/ به تنهایی نمی‌توانم این وضعیت را جمع کنم. <http://www.alef.ir/news/39907290068.html>
- خبرگزاری انتخاب. (۸ دی ۱۳۹۹) سود کرونا در جیب پکن؟ اقتصاد چین پنج سال دیگر از آمریکا جلو می‌زند. <http://www.entekhab.ir/fa/news/9906043206>
- خبرگزاری انتخاب. (۷ بهمن ۱۳۹۹) جمع آوری ۱.۲ میلیون امضا برای برکناری فرماندار کالیفرنیا. <https://www.entekhab.ir/fa/news/598274>
- خبرگزاری انتخاب. (۱۹ مرداد ۱۴۰۰) آخرین آمار کرونا در ایران ۱۹ مرداد ۱۴۰۰: فوت ۵۰۸ نفر در شبانه روز گذشته. <https://www.entekhab.ir/fa/news/632231>

خبرگزاری ایسنا (۴ شهریور ۱۳۹۹). روحانی: سه رهبر دنیا به من گفتند مقابله با کرونا در ایران برای ما الگو شد. <https://www.isna.ir/news/99060403206>

خبرگزاری دویچه وله (۲۰۲۰/۱۰/۲۵). تعداد قربانیان کرونا در ایران سه تا چهار برابر آمار رسمی است. <https://www.dw.com/fa-ir>

لفتویچ، آدریان (۱۳۸۵). دولتهای توسعه گرا. ترجمه محمدجواد افشارکهن. نشر مرنديز. نی نگار. مشهد.

Bell, Daniel A (2017), Comparing Political Values in China and the West: What Can Be Learned and Why It Matters, Annual Review of Political Science, Vol 20. Pp93-110

۶۷ Cukeirman, Alex (26 October 2020), Why is COVID-19 incidence in authoritarian China so much lower than in the democratic US: Effectiveness of collective action or Chinese cover-up? <https://voxeu.org/content/why-covid-19-incidence-authoritarian-china-so-much-lower-democratic-us-effectiveness-collective-action-or-chinese-cover>

Denap, Katelyn (12 May 2017), China and the developmental state Model. <https://www.chinabusinessreview.com/china-and-the-developmental-state-model/>

Fixnews (26 January 2020), Wisconsin Senate votes to overturn Governor's statewide mask mandate. <https://www.foxnews.com/politics/wisconsin-senate-statewide-mask-mandate>

Haggard, Stephan (April 7, 2020) Covid -19 and the developmental state. Center for development studies. <https://blogs.bath.ac.uk/cds/2020/04/07/covid-19-and-the-developmental-state/>

Hamid, Shadi, (June 16, 2020), Reopening the World: How the pandemic is reinforcing authoritarianism. Brookings Institute. <https://www.brookings.edu/blog/order-from-chaos/2020/06/16/reopening-the-world-how-the-pandemic-is-reinforcing-authoritarianism/>

Khalil, Lydia (2 November 2020), Digital authoritarianism, China and Covid. Lowy Institute. <https://www.lowyinstitute.org/publications/digital-authoritarianism-china-and-covid>

Li, Eric (August 13, 2013), A Tale of Two Political Systems. <https://www.chinausfocus.com/society-culture/a-tale-of-two-political-system>

Mérieau, Eugénie (28/8/2020) , COVID-19, Authoritarianism Vs. Democracy: What the Epidemic Reveals about the Orientalism of our Categories of Thought. Sciencepo. <https://www.sciencespo.fr/cei/en/content/covid-19-authoritarianism-vs-democracy-what-epidemic-reveals-about-orientalism-our-categorie>

New York Times August 11, 2021, see how vaccination are going in your country and state. <https://www.nytimes.com/interactive/2020/us/covid-19-vaccine-doses.html>

Salehi Isfahani (September 23, 2020), Iran: The double jeopardy of sanctions and COVID- 19. <https://www.brookings.edu/opinions/iran-the-double-jeopardy-of-sanctions-and-covid-19/>



تأثیر سیاست  
گذاری دولتها در  
مواجهه با بحران  
کویید ۱۹ (مطالعه  
تطبیقی تجربه‌های  
آمریکا، چین و  
ایران)

- Seyed Amir Niakooee (2020) Explaining the Crisis of the Green Movement in Iran (2009-2017), Democracy and Security, DOI: 10.1080/17419166.2020.1716733
- Wang, Lixia, Yan, Beibei and Vigdis Boasson (12 October 2020), A national fight against COVID-19: lessons and experiences from China. Australian and Newziland Journal of public Health. <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/full/10.1111/1753-6405.13042>

